ترجمه: رحمت آریا ۲۰۱۰/۰۳/۱۹م

نقد فلم: دنیایی شگفتی های الیس و دستگیری اعضای حلقه رهبری طالبان

چرا سعی پنتاگونیان و رسانه ها منهمک بر ادعای ظفر بزرگ در جنگ مارجه بود؟

نویسنده: توماس ایچ جانسن[۱] و ایم کریس میسن[۲]

مؤرخ: اول مارچ سال ۲۰۱۰م

چند روزی بیش نمانده که فلم سینمایي « الیس در سرزمین شگفتی ها[۳]» ساختهٔ تیم بارتون[٤] روی پرده آید. شاید برای روی پرده آوردن این فلم نمی شد ازین مناسب تر زمانی را یافت. داستان افیون پروردهٔ لویس کرول[٥] در مورد شخص عاقلی که در یک دنیای دیوانهٔ واژگونه با منطق (یا بی منطقی) ناهنجار ولی ثابت و پیگیر خودش گیر مانده است اکنون بسی بیشتر و بهتراز ویتنام نمونه و الگوییست که از روی آن می توان جنگ افغانستان را درک کرد.

جنگ در افغانستان چنانکه درینجا [این بخش ترجمه نه شده – م] در ارزیابي نظامی نوشته شده است به شمول حمله به قصبهٔ غیر ستراتیژیک مارجه در واقع مثنی ئی تقریبی جنگ ویتنام است که بالذات بهترین نمایش مجدد عملیات [مید ریوَر[٦]][۷] در سال ۱۹۶۸ میباشد. ولی انجماد مردم گریز این جنگ " که شرح آنرا ما در اوایل دسامبر درینجا کردیم" از یکطرف ، و گزارش بی محتوی رسانه های عمدهٔ خبری از ین نبرد در ماورای موازات همین جنگ لغزیده اند. حالا ما به عمق لانهٔ خرگوش [۸] سفید فرو رفته ایم.

دوماه قبل مجموعهٔ خانه های گلین ایکه بنام مارجه شناخته میشوند به روی نقشه افغانستان نموداری غیر مرئی بیشتر از فضلهٔ مگس نداشت. ولی امروز رسانه ها مجموع نفوس بین کمتر از ۵۰۰۰۰ نفری این قصبه را نزدیک به ۸۰۰۰۰ نفر بلند برده است– ولسوالی نادعلی از زمره بزرگترین ولسوالی های ولایت هلمند با جمعیت مسکونی قریب به ۹۹۰۰۰ است ؛ ولی رسانه ها این نقطهٔ کوچک را با مجموع ولسوالی بزرگ نادعلی برابر برشمرده اند- همچنان نحوهٔ پیشبرد این عملیات را همسان با حمله بر نورماندی و سرآغاز اختتام طالبان قلمداد کرده اند. درواقع تمام ولسوالی نادعلی که مارجه جزء آن است دو فیصد مجموع ساحهٔ تحت استتار قوماندهٔ خط جنوبی را تشکیل میدهد، ساحهٔ عملیاتی نیرو های نظامی ایالات متحدهٔ امریکا در برگیرندهٔ ولایات هلمند، کندهار، وروزگان، زابل، نیمروز ودایکندی میباشد. قوماندهٔ خط جنوبی خود بزرگتر از خط جنوبی ویتنام است که ظاهراً طالبان برهمهٔ این نقاط تسلط دارند. به نظر میرسد که یکی ازین نکات در رسانه ها تبلور نیافته است.

و هیچ کسي به کم بها بودن این عملیات که ارزشي بیشتر از پوستهٔ بی ارزش راهنمای معاملات خانه ها را ندارد نه کرده و نه میداند که نصف نیروی حقیقی جنگی ومجموع ظرفیت هوائي نیروهای ائتلاف در افغانستان را برای ربع سال بخود متمرکز ساخته است. ضیاع انسان، پول هنگفت و زمان امریکای - بریتانویها درپای اعمار قریهٔ [پوتیمکن[۹]][۱۰] افغان و دولت " تعبیه در بکس[۱۱]" آن دقیقاً چیزی است که طالبان آنرا ازائتلاف می خواهند ، و احتمال قوی متصور است که این نکته از رسانه ها و جنرال هائیکه این عملیات را دیزاین کرده اند مکتوم مانده باشد. این جنگ که از سال ۲۰۰۱م به بعد در افغانستان بزرگترین حمله نظامی نیروهای ائتلاف بشمار میاید در بُعد حقیقی خود تمرینسیت در راستای عطف و جلب نظر مردم به نحوی ایکه از طریق نمایش سراب گونه پیشرفت در

---

[۱] THOMAS H. JOHNSON
[۲] M. CHRIS MASON
[۳] *Alice in Wonderland*
[٤] Tim Burton
[٥] Lewis Carroll
[٦] Operation Meade River
[۷] این عملیات در فاصله ده مایلی دا نانگ ویتنام به تأریخ ۲۰ نوامبر سال ۱۹۶۸ ساعت چهار صبح در ساحه ایکه ۳ مایل طول و پنج مایل پهنا داشت آغازشد.
[۸] لانه خرگوش سفید نوع نمادیست که لویس کارول در داستان خویش آنرا منحیث مجرای دخول به دنیای شگفتی ها به کار برده است.
[۹] Potemkin
[۱۰] در سال ۱۷۸۷م وزیر امپراتوری روسیه گریگوری پوتیمکن جهت اغوای ملکه کاترین دوم حین بازدید از کریمیه در مسیرآبی وی شهرک های زیبای مصنوعی را بنا نهاد
[۱۱] “government in a box”

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املایی و انشایی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

میدان نبرد، حمایت رو به کاهش از جنگ را که روز به روز نیرو می بازد تقویه نمایند. رسانه ها طی گزارش های خود با شعار " مرا بنوش" سعی کردند تمام بوتل را سربکشند و از بی کفایتی ژورنالیستکی پا عقب زدند. در جنوب ویتنام که مساحت ارضی عملیاتی آن کوچکتر از قوماندهٔ خط جنوبی افغانستان بود، ایالات متحدهٔ امریکا و نیروهای مؤتلفهٔ ان متجاوز از ۲ میلیون مرد مسلح داشت که مشتمل بود بر متجاوز از نیم میلیون امریکایي ، یک میلیون [نیروهای جمهوریت ویتنام [۱۲]] ، ۷۵۰۰۰ سربازان نیروهای ائتلاف، نیرو های ساحوی ویتنام، [نیروهای مشهور" که به نام رف پف ها" شناخته می شدند[۱۳]]، پولیس ویتنام جنوبی، [نیروهای غیرمنظم گروپهای دفاع ملکی[۱٤]] و سائر ملیشیاها – همه مفقود شدند. رسانه ها تاکنون اعلامیه های رسمی پنتاگون مبنی بر" بهبود اوضاع" و " از سرگیری تحرک در اوضاع" در افغانستان را نشخوار می کنند حال آنکه (بشمول نیرو های نظامي و پولیس) افغان حدود ۴۵۰۰۰ مرد مسلح در تحت پوشش قوماندهٔ خط جنوبی این کشور در مدت یکماه است که برای تصرف یک قصبهٔ کوچک در نبرد اند. این رویداد شاید سال گذشته به مثابهٔ " رئوس خبری ساعت پنج" جنگ ویتنام تلقی میشد. این درست به مهمانی چای [هـَتـَر[۱۵]] میماند." چطور میتوان مؤفقیت مزید بدست آورد؟" شاید الیس بپرسد " آیا تاکنون کدام مؤفقیتی داشته ایم؟"

خوب حال ما در دنیای شگفتی های [اف-پاک[۱٦]] قرار داریم " شخصیت های متلبور درداستان الیس را چنین میتوان باهم مقابله کرد" جزء مکمله [مد هتر] (رسانه های ساده لوح و عشرت طلب)، [تویدلیدي و تویدلیدم[۱۷]] (نیروی نظامی، مفرطاً متکرر ِ خود وتأریخ)، خرگوش سفید (وزارت امورخارجه، شتابزده درملاقاتها و بی اندازه نا مرتبط)، کرم متحجر صدپا (سی آی اي، بیحس، پر نخوَت که پیوسته در طرح پرسشهای غلط است)، [دوراموس[۱۸]] (سفارت امریکا در کابل که گاه گاهی از خواب بیدار میشود آنهم زمانیکه بخواهد کله خود را درچایجوش فرو برد)، [چشایر کت[۱۹]](رئیس جمهور اوباما با تظاهر فصیح ولی معمائـی،متداوماً در تصویر نمایان و محو میشود)، قوطی قطعه بازی (اردوی ملی افغان، خود بیانگرخود است) و قوماندان شان ملکه بی مغز قلبها (رئیس جمهور افغان حامد کرزی).(ولی در داستان دنیای شگفتی های الیس، دارموس منکوب ملکه قلبها میشود نه منکوب خرگوش سفید و یا پشک چشایر، لذا تشابه کرکتر ها درین نکته دقیقاً با هم وفق نه می کنند).

هفته گذشته اکونومیست نوشت که کرزی با قاپیدن کنترول کمیسیون مستقل شکایات انتخابات و برطرف کردن اعضای مستقل آن تمام مأمورین غربی را که درگوشش سخت ترین نصایح مبنی بر آغاز یک عصر نوین دیموکراسی شفاف زمزمه میکردند، به سخریه گرفت. بر مبنای سرچشمه معلوماتی ما در قصر، کرزی به مانند ملکهٔ قلبها شیشهٔ مرمرین خود را گم کرده است. ویا سفیرامریکا [کارل ایکنبری[۲۰]] از طریق کیبل های سوراخ شده و خبرگریزش نحوه برخورد کرزی را با اصطلاحات محتاط دیپلوتیک " متلون" وانمود کرده است. موصوف تاکنون صدای خود را نه کشیده که " دیوانه ها" ولی اکنون حقانیت به پخته گی خود رسیده است. یگانه تمرین جلب انظار عامه در مارجه در ماه فبروری، کلپتو کراسی[۲۱] کرزی را از انظار رسانه ها دور نگهداشت.

با دستگیری چند ملا در پاکستان جنون سیاسی و نظامی دنیای شگفتی های اف- پاک وارد فصل نوین قباحت گردید، در زمره این ملا ها یکی هم ملا برادر بود که در تحت رهبری ملا عمر، عضوشورای قیادی طالبان مستقر در کویته و از جمله ستراتیژیست های مشهور نظامی این شورا بود. این سانحه درست همانند کرکتر های دنیای شگفتی های الیس [سنگ پشت مصنوعی[۲۲]] وگریفن[۲۳] است که واشگتن به استقبالش کف زنان چون [خرچنگ ها به رقص دسته جمعی[۲٤]] پرداخت : عملکرد پاکستان را متخصصین و دانشمندان قصرسفید در انستیتوتهای [بـِلت وی[۲۵]] چون انستیتوت [بروکینگز[۲٦]] با شتابزدگی مضحکانـه "تغیر در بحر" قلمداد کردند.

---

[۱۲] Army of the Republic of Vietnam (ARVN)
[۱۳] Popular Forces (known as “Ruff-Puffs”)
[۱٤] Civilian Irregular Defense Groups (CIDG)
[۱۵] Mad Hatter’s Tea Party
لویس کارول در داستان سفر الیس به دنیای رویائـي هتـَر را به شکل نماد مرد متمول به کار برده ولی اصطلاح (مد/ مجنون) را درآن به کار نه بسته است. [م]
[۱٦] AfPak مراد افغانستان – پاکستان است
[۱۷] Tweedledee and Tweedledum نماد و اسم اشخاص افسانوی در داستان
[۱۸] Dormouse نام یک نوع موش است که در آسیا و افریقا به وفرت یافت میشود
[۱۹] Cheshire Cat نام پشک افسانوی در داستان لویس کارول، این پشک روی سائر کرکتر های داستان تأثیر بسزای فرهنگی دارد
[۲۰] Karl Eikenberry
[۲۱] Kleptocracy حکومت و حاکمیتی که بوسیله جنایتکاران، قاچاقبران و مفسدین اداری اداره میشود
[۲۲] Mock Turtle
[۲۳] Gryphon
[۲٤] Lobster-Quadrille

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

این دستگیری ها در واقع به پشیزی نه می ارزد. معقول به نظر نه میرسد که گویا پاکستان پرستش روح پنجاه سالـهٔ " عمق ستراتیژیک" خود را بدین زودی کنارگذاشته باشد؛ سنگ بنای این عمق ستراتیژیک را این نکته تشکل میدهد که پاکستان باید افغانستان را تحت کنترول خود داشته باشد ولی محتمل نیست که بر تفکر جادوئـی کنار زدن ازدواج پاکستان با طالبان باورمند شد.آنچه به وقوع پیوسته در واقع تخلیه و تفصیه آنعده طالبان تندرو از خطوط طالبان بود که از لحاظ سیاسي یا قومی و یا هردو به طور ناکافی قابل اعتماد پنداشته شده بودند. همه میدانند که شورای کویته طی مدت چند ماه دچار انفصال شده است، ملا ذاکر یک تند رو دیگر طالب و سابق زندانی گوانتانامو (که به نام عبدالله غلام رسول نیز شناخته میشود) با تر دستی جای گزین ملا برادر شد. برادر در سال ۲۰۰۱ هم قبیلـهٔ پوپلزیی خود حامدکرزی را پناه داد و طی حادثـهٔ انحراف بمب امریکائـی در ولایت وروزگان که منتج به کشته شدن چند تن از همراهان بدرقه نیروهای خاص امریکائـی وی شد زندگی وی را نجات داد. بعد ها [ملا] برادر یکی از جملـهٔ افراد طرف اعتماد مخبر مزد بگیر سی آی اي ، بردار رئیس جمهور، احمد ولی کرزی شد و خود از ورای انساج پیچیده میدان سیاست افغان با رئیس جمهور دیدارهای داشته است.

از مدتها بدینسو هستـهٔ اساسی منسوب به قبیلـهٔ غلجایی رهبری ئـی طالبان، به ملا برادر به دیدهٔ شک و اغماض می نگریست مبنی بر اینکه موصوف خیلی مایل به مذاکرات و خیلی مایل به طرفداری دیدارصحرائـی با حکومتدارهم قبیله خود بود. همین شک در واقع در اواخر سال ۲۰۰۹م منجر به ایجاد شورای احستاب کویته شد، این شورا وظیفه داشت که بسیاری اشخاص چون [ملا] برادر را که منسوب به قبائـیل درانی و کرلانی بود از ورای صفوف رهبری طالبان تصفیه نماید.

این خود مؤید این ادعاست که چرا رهبرتند رو نظامی شورای کویته ملا ذاکر دوهفته بعد از دستگیری ملا برادر درحومـهٔ پیبناور دستگیر شد ولی دستگاه استخباراتی پاکستان آی ایس آی نامبرده را به زودی رها نمود. مزید برآن تمام این اشخاص اصغر ازلحاظ مقام وگرفتارشده (به شمول قوماندان خط جبهه جنوبی طالبان در شرق ملا کبیر که به نام ملا عبدالقاهرعثمانی شناخته میشود، ملا عبدالروؤف علیزی که منسوب به قبیله علیزی درانی و سابق زندانی گوانتانامو و قوماندان جبهات طالبان در شمال افغانستان بود، و ملا احمد جان آخندزاده مربوط به قبیلـهٔ اسحاقزی درانی و والی محرم ولایت وروزگان) همه همراهان ملابرادر و میانه رو شناخته می شدند.

به حرف دیگر، شورای کویته با بکار بستن آی ایس آی و ولینعمتان ثابت قدم و وفادار خود خواست این جغله سنگها را از مسیر راه خود جاروب نماید. این چند ملای در بند ، ملزم به میلان هم صحبت شدن با دشمن کافر شدند لهذا ناپاکان ایدیالوژیکی از خطوط جهاد روفته شدند. این نوع دستگیری را نه میتوان همکاری کشور مؤتلف (پاکستان) در برابر طالبان قلمداد کرد ؛ این در واقع بیانگر نوعی از ساخت و بندوبست پاکستان با دشمن (طالبان) است. پاکستان منافع ستراتیژیک خود را دنبال می کند که منطبق با ستراتیژیهای امریکا در منطقه نیست.پاکستان با تهیه نوشابه ساخت خودش " بیا و مرا بنوش"، با زبردستی شبکه های استخباراتی غرب را مورد استفادهٔ خود قرارد داده وبه هرکس قناعت داده که این [تخمک/ همپتی – دمپتی[۲۷]] نازک و زود شکن است و نه باید رویش فشار زیاد وارد کرد ؛ مبادا این تخمک اتومی از ورای دیوار بیفتد و بشکند. این شطحیات بیش نیست. در حقیقت ما در برابر رهبران نظامی پاکستان شلاق قویتر از "عمق ستراتیژیک" به کار داریم تا آنها را بالاجبار وادار به تقبل همکاری راستین نمائـیم تا از پناه دادن به القاعده و بی ثباتی افغانستان دست بردار شوند و کشتن صدهاتن امریکایی را ها بوسیله ملیشاهای اجیرشان متوقف سازند.

متأسفانه در دنیای شگفتی های اف- پاک هیچ نوع سمارق جادوئـی ئـی به چشم نه می خورد که دوباره بحالت عادی برگردد. در عوض پالیسی افغانستان و پاکستان در دام حرکت بی پایان فره فره بند و دردنیای سیاستی پیچیدهٔ گیر مانده است که در سازگاری با منطقی درونی خود عمل می کند. برعکسِ الیس، یک تعداد انگشت شمارمتخصصین امور افغانستان در امریکا که بدرستی میداند چه واقع خواهد شد نه میتوانند بیدار شوند ویا باشکستن موانع رسانه های شرکتی صدای خود را بدر آورند. بدتر از همه اینکه هزاران سربازان شجاع نیروهای بحری و زمینی امریکا اسیر چنگال این جنگ کشنده بازی [کروکت[۲۸]] سیاسی شده اند، توپ این بازی پَر جَیره نیست بلکه بمب های مقناطیسی

---

[۲۵] Beltway
[۲۶] Brookings
[۲۷] Humpty-Dumpty یکی از کرکتر های داستان شبیهه تخم مرغ که حرف میزند
[۲۸] Croquet نوعی از بازی است که باچوب دست و توپ به پیش برده میشود

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

اند. ملکه بانوی کوچک [دوک [۲۹]] واقعاً به خوککی مبدل شده است، و چنین به نظر میرسد که راه برون رفت ازین سوراخ خرگوش سفید که هرلحظه جنون در آن افزایش می یابد وجود ندارد.

یادداشت: توماس ایچ جانسن پروفیسور دیپارتمنت امور امنیت ملی و دایرکتر پروگرام کلتوری و مطالعهٔ منازعات در پوهنځی مونتری کالفورنیا می باشد. ایم کریس میسن مأمور متقاعد وزارت خارجه است چي طی سال ۲۰۰۵م درولایت پکتیکای افغانستان به حیث مأمور امور سیاسی کارکرده و اکنون در واشنگتن دِی سی در مرکز مطالعات دفاع پیشرفته به حیث مامور ارشد کار می کنند.

[۲۹] دوک بزرگترین لقب بعد از شاه بود این اصطلاح مأخوذ از اصطلاح لاتین بوده که بوسیله آن رهبران قومی جنگی جرمن و Duchess سیلتیک را شرح میکردند. [م]

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de